

## عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره سوادآموزی

رسول کرد نوقابی\*

شهریار مرادی<sup>۲</sup>

آرزو دلفان بیرانوند<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل پیش‌بینی کننده رجعت به بی‌سوادی در سواد آموختگان دوره‌ی سوادآموزی بود. **روش‌شناسی:** جامعه آماری پژوهش شامل تمامی سواد آموختگان در سطح کشور بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند-مرحله‌ای، نمونه‌ای با تعداد ۴۸۶ نفر (سواد آموخته) انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس پیشرفت تحصیلی محقق ساخته، پرسشنامه محقق ساخته ویژه‌ی نوسوادان، مقیاس انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰) و مقیاس اعتماد به نفس روزنبرگ (۱۹۸۶) بودند. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار spss21 استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد متغیرهای موافقت خانواده با سوادآموزی، کیفیت برنامه‌های آموزشی، وجود افراد باسواد در خانواده، درآمد ماهیانه خانواده و انگیزش پیشرفت به صورت منفی؛ و تعداد فرزندان، مسئولیت خانه‌داری و باروری زنان به صورت مثبت عوامل اصلی پیش‌بینی کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی در سواد آموختگان دوره سوادآموزی و معادل آن بوده‌اند (مجذور آر تنظیم شده =  $0/267$ ،  $P < 0/001$ ،  $F = 15/567$ ).

**نتیجه‌گیری:** عوامل اجتماعی اقتصادی فرهنگی، بیشترین نقش را در میزان رجعت به بی‌سوادی نوسوادان داشته و عوامل مرتبط با کیفیت برنامه‌های آموزشی و انگیزش پیشرفت، پیش‌بینی کننده‌های بعدی رجعت به بی‌سوادی بوده‌اند. **واژه‌های کلیدی:** رجعت به بی‌سوادی، سوادآموزی، نوسواد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجویار گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) (Email: rkordnoghi@gmail.com).

۲- دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، تهران، ایران.

۳- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، تهران، ایران.

## مقدمه

تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای بی‌شک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی این آموزش و پرورش است که در مقابله با آفات جهل، بی‌سوادی، اسارت فکری یا بیماری وابستگی فرهنگی به انسان مصونیت می‌دهد (گلاور و برونینگ، ۱۹۹۰). براین اساس یکی از معضلات بشری در دنیای امروز در تمامی کشورها مخصوصاً کشورهای جهان سوم مسئله بی‌سوادی است که نقش آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی در مبارزه با بی‌سوادی را آشکار می‌سازد. به‌طوری‌که گزارش‌های هازن و تروفیل (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که گروه وسیعی از جمعیت جهان به دلیل عدم دانش و آگاهی و سطح آموزش پایین، توانایی‌های لازم جهت زندگی در قرن ۲۱ را ندارند. از اینرو یکی از مسائلی که جامعه امروزی با آن روبه‌رو است مسأله رجعت به بیسوادی است که به نحوی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اثر منفی دارد. رجعت به بیسوادی پدیده‌ای است که در آن فرد نوسواد دانش مقدماتی خواندن و نوشتن را حاصل کرده است، ولی به علت عدم تحکیم و تثبیت سواد به شرایط پیش از فراگیری سواد (بی‌سوادی) رجعت می‌کند. به عبارتی بازگشت به بیسوادی یعنی از دست دادن توانایی خواندن و نوشتن (تاج‌آبادی، ۱۳۸۶).

خطر رجعت به بی‌سوادی، علاوه بر از دست رفتن امکانات مالی و نیروی انسانی، موجب ایجاد و گسترش دیدگاهی منفی پیرامون اهمیت سواد و سوادآموزی در جامعه شده و بهانه‌ای می‌شود برای بی‌سوادانی که به این فعالیت و نتایج آن اعتقادی ندارند و هنگام بحث بر سر لزوم سوادآموزی منکر مزایای سواد در زندگی می‌شوند و از طرفی در برخی جوامع، ارزش سواد و آموزش ناشناخته مانده و کوشش برای سوادآموزی و آموزش بزرگسالان - به‌ویژه در دوران میان‌سالی و کهن‌سالی - کوششی عبث جلوه می‌کند. از همین رو، بازگشت به بی‌سوادی می‌تواند موجب تقویت و تعمیم چنین برداشت غلطی شود (فتاحی، ۱۳۷۱). پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر رجعت به بی‌سوادی، نقش عواملی از قبیل نیازها، انگیزه‌ها، سن، و سایر ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی آنها را بیان می‌کنند (بورگس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴؛ اصلانیان و بریکل<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶؛ عابدی، ۱۳۷۰؛ میرحسینی و دوستدار، ۱۳۷۷؛ رجایی پور و اکبری عمروآبادی، ۱۳۸۶). برخی منابع انسانی را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که همواره باید در یک نظام آموزشی مورد بررسی قرار گیرد مورد توجه قرار داده‌اند و ویژگی‌ها، توانایی‌ها، انگیزش و سایر عوامل مرتبط به منابع انسانی (آموزشیاران، معلمان، راهنمایان تعلیماتی، مدیران) را که با سوادآموزی و رجعت به بی‌سوادی ارتباط دارند نیز بررسی کرده‌اند (رفعتی‌نیا و قرایی‌مقدم، ۱۳۷۶؛ رضاخانی و ابراهیمیان کیاشری، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران مسائل درون سازمانی و آموزشی از جمله مدیریت و برنامه‌ریزی، کیفیت و محتوای برنامه‌های آموزشی، روش‌های تدریس، امکانات آموزشی، عدم توجه و اهتمام کافی نسبت به برنامه‌های تحکیم و تثبیت سواد را مورد توجه قرار داده‌اند. (فورلیزی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). از نظر مک‌گیونی<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) عدم تناسب برنامه و دوره‌های آموزشی با نیازهای واقعی آنها؛ عدم اعتماد به نفس و نگرش منفی نسبت به آموزش و پرورش و ترس از موفق نشدن سبب عدم شرکت افراد در دوره‌های آموزشی می‌شود. لاسوی<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) دلایل اصلی برای شرکت نوسوادان بزرگسال در نواحی روستایی تانزانیا را رسیدن به دانش کشاورزی دانسته که شغلی اصلی نوسوادان محسوب می‌شد. آنها هم‌چنین بهبود موقعیت اجتماعی، ارتقاء سطح درآمد و آشنایی با مسائل بهداشتی را مطرح کردند. می‌پرز<sup>۷</sup> (۱۹۹۶) تحقیقی در باره برنامه‌های آموزش غیررسمی بزرگسالان در نپال انجام داد و نتیجه گرفت که مصاحبه‌شوندگان قویاً متون مرتبط با کارهای تولیدی را به مواد خواندنی پیشرفته ترجیح می‌دادند. نتایج پژوهش امینی خوئی (۱۳۸۳) نشان داد که تشویق و قدردانی از سوادآموزان و ایجاد احساس امیدواری در آنها به وسیله اعضای خانواده از بهترین روش

<sup>1</sup> Hazen and Trefil

<sup>2</sup> Burgess

<sup>3</sup> Aslanian and Brickell

<sup>4</sup> Forlizzi.

<sup>5</sup> McGivney

<sup>6</sup> Lasway

<sup>7</sup> Meyers

های مؤثر در ایجاد انگیزه مطالعه پس از کلاس در آنها بوده است. امانی (۱۳۷۸) باروری زنان و شمار فرزندان و نگهداری آنان را از موانع عملی و روزمره باسواد شدن زنان دانسته است. مهنایی و رفیعی (۱۳۷۸) عواملی از قبیل عدم مطابقت کتب با نیازهای سوادآموزان و برخورد نامناسب را از مهمترین عوامل ترک تحصیل سوادآموزان دانسته‌اند. در پژوهشی دیگر نامناسب بودن زمان برگزاری کلاسها، تعداد روزهای زیاد تشکیل کلاسها، مشغله کاری، خانه‌داری و مراقبت از فرزندان از مهم‌ترین دلایل عدم شرکت در کلاسها ارزیابی شده است (ثانی، و تیموری، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهشی در استان ایلام نشان داد که بین عوامل فردی، خانوادگی و سازمانی بی سوادان و کم رغبتی آنان به شرکت در کلاس‌های سوادآموزی رابطه وجود دارد (موسسه جمال هدایت، ۱۳۸۴). بر اساس نتایج پژوهش رخشان و کروسی (۱۳۸۳) گروه ناپیگیر علت عدم ادامه تحصیل خود را کمبود وقت و مخالفت اعضای خانواده می‌دانند. نتایج تحقیق نادری و کریمی (۱۳۸۳) نشان داده خستگی ناشی از کار روزانه، مشکلات اقتصادی و کمبود در آمد، اجرا نشدن طرح در محل زندگی سوادآموزان به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عدم مشارکت سوادآموزان در طرح تداوم آموزش داشته‌اند. عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز در زمره‌ی موانع عملی و روزمره با سواد شدن و مؤثر در رجعت به بی‌سوادی شناخته شده‌اند. از جمله فقر مالی، باروری زنان، تعدد فرزندان و نگهداری آنان، متأهل بودن، عدم رضایت ولی یا همسر، شاغل بودن، مشکلات خانوادگی سوادآموزان، کوچ و مهاجرت، ازدواج دختران در حین تحصیل، خانه‌داری، نگرش جامعه نسبت به سواد و سوادآموزی، بی‌سواد بودن سایر اعضای خانواده، محل سکونت و توزیع جغرافیایی (پناهی و انوری، ۱۳۸۵؛ امانی، ۱۳۷۸؛ مهنایی و رفیعی، ۱۳۷۸). روزنبرگ (۱۹۸۶) در پژوهشی که روی گروهی از بزرگسالان در استرالیا انجام داد، به این نتیجه رسید که ۵۷ درصد از سواد آموختگان بازگشت به بی‌سوادی داشته‌اند. این مسئله نشان دهنده مشکلاتی در زمینه آموزش بزرگسالان است که عوامل متعددی می‌تواند مسبب این مشکل باشد. مایرز (۱۹۹۶) در پژوهشی که در چین انجام داد، به این نتیجه رسید که ایجاد تغییرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و بخصوص در روستاها باعث افزایش یادگیری و ماندگاری آن در افراد بزرگسال می‌باشد و نداشتن سیاست آموزش منجر به بازگشت افراد به بی‌سوادی و نیاز به آموزش مجدد می‌باشد. در پژوهشی که گیروول (۲۰۰۱) انجام داده نتیجه گرفت، بین بی‌سوادی تا باسوادی سطوح متفاوتی از توانایی‌ها وجود دارد. که آنها را متمایز می‌کند. تحقیقات اخیر نشان داده که مسئله بی‌سوادی محدود به جهان سوم نیست، اما فراوانی آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر است. روش زندگی و محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، شغلی مردم در این جوامع، نیاز افراد را به یادگیری مهارت سواد کم می‌کند. سواد در بین طبقات اجتماعی، بی‌سوادی در طبقه پایین جامعه بیشتر است، برای ریشه کنی بی‌سوادی باید موانع مهمی که بر سر راه آموزش بزرگسالان است، برداشته شود. یافته‌های پژوهش معتمدی (۱۳۸۳) نشان داد که انگیزه‌های فردی، تبلیغات، انگیزه‌های خانوادگی، آموزش‌یاران، مدیریت محلی و محتوای کتاب‌های آموزشی مطلوب بر جذب سوادآموزان موثر هستند. منصورکیایی و سرمد (۱۳۸۴) عوامل فرهنگی و شخصی سوادآموزان را به عنوان عوامل مؤثر در ضعف درسی ریاضیات نوسوادان دانسته‌اند. نتایج پژوهشی که به منظور بررسی وضعیت سوادآموزی و علل و عوامل بی‌سوادی در استان بوشهر انجام گرفته حاکی از این است که بین محل سکونت، طبقه اجتماعی، سن، جنسیت، تاهل، تعداد اعضای خانواده، شغل، علل محرومیت، سواد والدین و فوت پدر و مادر با وضعیت سواد رابطه مثبت وجود دارد (محمد قلی نیا، ۱۳۸۳). براساس یافته‌های پژوهشی که به منظور بررسی و شناسایی علل افت تحصیلی سوادآموزان از دیدگاه کارکنان نهضت سوادآموزی استان اردبیل صورت گرفته است، وضعیت اقتصادی، سواد اعضای خانواده، کاربرد وسایل و مواد کمک آموزشی، روش تدریس آموزش‌یاران، جنسیت (افت تحصیلی مردان بیشتر از زنان است) و عدم شرکت سوادآموزان در طرح‌های یادگیری محلی از جمله عوامل مؤثر بر افت تحصیلی سوادآموزان بوده‌اند (پناهی و انوری، ۱۳۸۵).

با توجه به این که هدف نهایی آموزش بزرگسالان باید حرکت به سوی جامعه‌ای باشد که در آن کلیه‌ی افراد در تمام طول عمر در حال یادگیری باشند و از آن برای زندگی بهتر و سعادت‌مندتر استفاده کنند (جهان پناه، ۱۳۷۴) همانطور که مائوسه تونک رهبر چین، برنامه سوادآموزی را یکی از مهم‌ترین عوامل بازسازی ملی و تحول فرهنگی اعلام می‌کند و از سوی دیگر بسیاری از بزرگسالان

پس از مدت کوتاهی شرکت در دوره‌های سوادآموزی، کلاس‌ها را ترک کرده و به‌سرعت آموخته‌های خود را فراموش می‌کنند و به سمت رجعت به بی‌سوادی گرایش دارند و اینکه پدیده‌ی رجعت به بی‌سوادی تأثیرات منفی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و به ویژه نظام آموزش و پرورش جامعه دارد. لذا، با توجه به زمینه‌ی نظری و پیشینه‌ی پژوهشی ذکر شده، و با توجه به اینکه رجعت به بی‌سوادی موضوع پیچیده‌ای است و تحت تأثیر عوامل غیر متجانس گوناگون می‌باشد، این پژوهش علل احتمالی رجعت به بی‌سوادی را از چهار بعد مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد تا میزان نقش احتمالی هر یک از ابعاد مورد نظر را تبیین نماید:

- ۱- عوامل مرتبط با سواد آموز: انگیزش پیشرفت، اعتماد به نفس برای یادگیری، نگرش نسبت به سواد، سن و جنسیت سوادآموزان.
  - ۲- عوامل مرتبط با آموزش: سطح تحصیلات، گذراندن دوره‌های کارآموزی، جنسیت، سن و هم‌زمانی با سوادآموزان.
  - ۳- عوامل مرتبط با مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی: انطباق محتوای منابع و برنامه‌های آموزشی با نیازهای مطالعاتی سوادآموزان؛ روش‌های تدریس و ارزشیابی؛ کیفیت و میزان توجه نسبت به برنامه‌های تحکیم سواد.
  - ۴- عوامل اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی: سطح درآمد، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، وجود فرد با سواد در خانواده، محل زندگی (شهر یا روستا)، قومیت، مسائل و محدودیت‌های خاص زنان، نگرش خانواده نسبت به سواد و سوادآموزی و کوچ و مهاجرت.
- بنابراین، مسأله‌ی اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: علل اصلی رجعت به بی‌سوادی در سوادآموختگان دوره‌ی سوادآموزی و معادل آن در سطح کشور کدامند؟ میزان نقش احتمالی هر یک از عوامل فوق در پیش‌بینی رجعت به بی‌سوادی تا چه حد است؟

## روش

روش پژوهش توصیفی<sup>۱</sup> و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری عبارت بود از کلیه سوادآموختگان در سطح کشور که طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ دوره‌های سوادآموزی یا معادل آن را گذرانده بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی<sup>۲</sup> و مورگان<sup>۳</sup> (۱۹۷۰)، با توجه به اینکه حجم جامعه در حدود دو میلیون نفر می‌باشد، ۵۰۰ نفر انتخاب گردید که پس از حذف داده‌های پرت نهایتاً ۴۸۶ نفر مورد تحلیل قرار گرفتند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. استان‌های انتخاب شده عبارت بودند از خراسان رضوی، آذربایجان غربی، همدان، شهرستان‌های استان تهران و کرمانشاه.

ابزارهای پژوهش: مقیاس پیشرفت تحصیلی محقق ساخته: بر اساس محتوای دروس دوره سوادآموزی و با استفاده از جدول مشخصات ساخته شده و هدف آن ارزشیابی و سنجش سطح سواد سوادآموختگان در زمینه مهارت خواندن و نوشتن و فهم و درک متون ساده فارسی و نیز انجام محاسبات ریاضی در حد چهار عمل اصلی می‌باشد. با توجه به استفاده از جدول مشخصات روایی محتوایی آزمون تأمین گردیده و پایایی آن نیز با روش دونیمه کردن آزمون در یک مطالعه مقدماتی تعیین گردید.

پرسشنامه محقق ساخته ویژه‌ی نوسوادان: بخش اول این پرسشنامه متغیرهای جمعیت‌شناختی مرتبط با نوسوادان شامل سن، جنسیت، محل زندگی (شهر یا روستا)، وضعیت سواد، شغل، تأهل، تعداد فرزندان، وجود افراد با سواد در خانواده، قومیت، کوچ و مهاجرت و سطح درآمد خانواده را در بر گرفته است. بخش دوم به بررسی نگرش نوسوادان و خانواده‌ی ایشان نسبت به سواد، مسائل و محدودیت‌های خاص زنان نوسواد از قبیل مؤلفه‌های باروری، نگهداری فرزندان، عدم موافقت شوهر یا ولی، مسئولیت خانه‌داری و سایر محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنان پرداخته و بخش سوم نیازهای مطالعاتی نوسوادان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. روایی

1. Descriptive Plan

2. Krejcie, R. V.

3. Morgan, D. W.

محتوایی پرسش نامه با نظرخواهی از اساتید دانشگاه و کارشناسان سوادآموزی و پایایی آن پس از اجرای مقدماتی با روش آلفای کرونباخ تأیید گردید ( $\alpha = 0/58$ ).

مقیاس انگیزش پیشرفت هرمنس (HAMQ): برای سنجش انگیزش پیشرفت نوسادان از این مقیاس استفاده شد. برای محاسبه-ی روایی آزمون، هرمنس از بررسی روایی محتوا که اساس آن را پژوهش های قبلی در باره ی انگیزش پیشرفت تشکیل می داد، استفاده کرد. همچنین او ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتار پیشرفت گرا محاسبه کرده است که ضرایب روایی سؤالات از دامنه ی 0/30 تا 0/57 می باشد. اسودی در 1379، با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی، اعتبار آزمون را به ترتیب 0/84 و 0/82 محاسبه نمود. در پژوهش طالب پور اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر 0/74 است (به نقل از زمینی، احتشامی نسب و هاشمی، 1386).

مقیاس اعتماد به نفس روزنبرگ: این مقیاس توسط روزنبرگ<sup>۱</sup> (1986) ساخته شد که دارای ده آیتیم است و تاریخچه ای غنی برای تحقیقات دارد. روبرتز (1998) پایایی درونی برای این مقیاس را 0/81 گزارش نموده است. موسوی و همکاران (1385) ضریب همبستگی تنصیف (بین آزمون روزنبرگ و آیزنک) برابر با 0/81، ضریب بازآزمایی آن با فاصله ی دو هفته برابر با 0/92 و ضریب همبستگی همسانی درونی آن با محاسبه از طریق آلفای کرونباخ را 0/88 گزارش نموده اند.

## یافته ها

فراوانی کل شرکت کنندگان در پژوهش 486 نفر بودند (63 نفر مرد و 423 نفر). بیشترین میزان سن آزمودنی ها 70 سال و کمترین میزان 18 سال است. میانگین سنی گروه نمونه مردان (43/31) بیش از گروه نمونه زنان (38/31) است. تعداد شرکت کنندگان در هر یک از استان ها به ترتیب عبارتند از خراسان رضوی (98) کرمانشاه (100)، آذربایجان غربی (96) نفر، شهرستان های استان تهران (97) و همدان (95) نفر. 202 نفر از آزمودنی ها ساکن شهر (41/5 درصد) و 284 نفر ساکن روستا (58/5 درصد) بوده اند. بیشترین فراوانی اشتغال مربوط به گروه زنان خانه دار و مشاغل خانگی (351 نفر - 72/2 درصد) و کمترین فراوانی مربوط به بیکار (4 نفر - 0/8 درصد) بوده است. 433 نفر متأهل (89/1 درصد)، 49 نفر مجرد (10/1 درصد) بودند و در این میان 4 نفر نیز پاسخ نداده اند. آزمودنی های دارای دو فرزند بیشترین فراوانی (130 نفر - 26/7 درصد)، و یک فرزند کمترین فراوانی (38 نفر - 7/8 درصد) را داشته اند. برای بررسی و تجزیه و تحلیل سؤال های پژوهش از تحلیل رگرسیون سود برده شد. به همین منظور با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده ها مورد بررسی قرار گرفت ( $p > 0/05$ ). همچنین همگنی واریانس باقی مانده با استفاده از آزمون دوربین واتسون بررسی شد.

در جدول (1) شاخص های توصیفی نمونه مورد بررسی بر اساس میزان رجعت به بی سوادی آزمودنی ها به تفکیک دروس ارائه شده است. میزان پایداری سواد در حدود 64/12 درصد بوده است. بیشترین پایداری در خواندن و کمترین پایداری در ریاضی بوده است.

جدول 1. شاخص های توصیفی گروه نمونه براساس درصد رجعت به بی سوادی

شاخص متغیر	میانگین	انحراف استاندارد		کمترین درصد	بیشترین درصد
		کجی	کشیدگی		
خواندن	33/13	21/13	1/47	0/00	100/00
ریاضی	41/23	20/34	0/69	0/00	100/00
نوشتن	33/28	22/72	1/77	0/00	100/00
جمع	35/88	17/92	1/77	0/00	100/00

1. Hermans Achievement Motivation Questionnaire

2. Rosenberg

در تحلیل استنباطی سؤال پژوهش به منظور بررسی عوامل اصلی در پیش‌بینی رجعت به بی‌سوادی از روش آماری تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. جدول (۲) خلاصه‌ی مدل رگرسیون گام به گام را ارائه می‌کند. مقدار آر تنظیم شده در گام هشتم نشان می‌دهد که مدل نهایی، ۰/۲۶۷ واریانس رجعت به بی‌سوادی آزمودنی‌ها را توجیه نموده است.

جدول ۲. خلاصه‌ی مدل رگرسیون گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	R	مجذور R	مجذور R تنظیم شده	خطای استاندارد	تغییرات آماری
					تغییر P
					df۲
۸	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۰/۲۶۷	۳/۰۲۱	۳۱۲
					df۱
					تغییر F
					تغییر R
					۰/۰۱۳
					۵/۵۴
					۰/۰۱۹

جدول (۳) نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیون را ارائه می‌کند. با توجه به اینکه مجذور R تنظیم شده در مدل هشتم (۰/۲۶۷) بیش از سایر مدل‌ها بوده و مجموع مجذورات خطای آن کمتر است، در نتیجه بیشترین توان پیش‌بینی رجعت به بی‌سوادی را داشته و مناسب‌ترین مدل است. در نتیجه برای مدل هشتم خواهیم داشت:

$$F_{(۸,۳۱۲)} = ۱۵/۵۶۷, P < ۰/۰۰۱, ۰/۲۶۷ = \text{مجذور آر تنظیم شده}$$

جدول ۳. تحلیل واریانس مدل گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	مجموع مجذورات SS	درجه آزادی df	میانگین مجذورات MS	F	P
رگرسیون	۱۱۳۶/۳۸۲	۸	۱۴۲/۰۴۸	۱۵/۵۶۷	۰/۰۰۱
باقی‌مانده	۲۸۴۶/۹۵۲	۳۱۲	۹/۱۲۵		
کل	۳۹۸۳/۳۳۴	۳۲۰			

جدول (۴) اطلاعات در مورد متغیرهای پیش‌بینی که به ترتیب در مدل وارد شده‌اند را ارائه می‌دهد.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون گام به گام عوامل اصلی رجعت به بی‌سوادی

مدل	B	ضرایب استاندارد نشده		t	P
		خطای استاندارد	ضرایب استاندارد		
(ضریب ثابت)	۱۴/۷۶۷	۱/۶۴۴		۸/۹۸۳	۰/۰۰۱
۶ موافقت خانواده با سوادآموزی	-۰/۳۹۰	۰/۱۵۱	-۰/۱۳۳	-۲/۵۸۴	۰/۰۱۰
کیفیت برنامه‌های آموزشی	-۰/۵۲۲	۰/۱۳۵	-۰/۱۸۸	-۳/۸۷۶	۰/۰۰۱
وجود افراد باسواد در خانواده	-۰/۶۴۴	۰/۱۲۶	۰/۲۸۹	-۵/۱۲۰	۰/۰۰۱
تعداد فرزندان	۰/۴۹۵	۰/۱۲۳	۰/۲۲۴	۴/۰۰۶	۰/۰۰۱
مسئولیت خانه‌داری (زنان)	۰/۳۲۶	۰/۱۲۵	۰/۱۳۴	۲/۶۱۹	۰/۰۰۹
درآمد ماهیانه خانواده	-۰/۵۴۴	۰/۱۵۲	-۰/۱۷۲	-۳/۵۷۶	۰/۰۰۱
انگیزش پیشرفت	-۰/۰۸۰	۰/۰۲۷	-۰/۱۴۶	-۲/۹۱۸	۰/۰۰۴
باروری (زنان)	۰/۳۱۳	۰/۱۳۳	۰/۱۱۸	۲/۳۵۴	۰/۰۱۹

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصله از پژوهش، نشان داد که میزان بازگشت به بی‌سوادی در حدود ۳۶ درصد بوده است. بیشترین میزان رجعت به ترتیب در ریاضی (۴۱/۲۳ درصد)، نوشتن (۳۳/۲۸ درصد) و خواندن (۳۳/۱۳ درصد) بوده است. یافته‌ها، الگوی خاصی از عوامل مرتبط و پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی را به دست داد. اینک به بررسی و تحلیل دقیق‌تر هر یک از این عوامل می‌پردازیم.

عوامل اجتماعی اقتصادی فرهنگی. اولین متغیر مرتبط با این حوزه، نگرش خانواده نسبت به سواد و موافقت آنها با سوادآموزی است که بر اساس نتایج حاصله از تحقیق، یکی از اصلی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه بخش اصلی سوادآموزان در ایران، زنان بازمانده از تحصیلی هستند که به دلیل مناسبات

خانوادگی مردسالارانه سنتی، به ویژه در اقشار فرودست جامعه، امکان تصمیم‌گیری و عمل مستقل بدون موافقت پدر یا همسر خویش را ندارند، لذا نگرش منفی مرد خانواده (پدر یا همسر) نسبت به سواد و مخالفت وی با سوادآموزی را به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع سوادآموزی و تکمیل سواد تبدیل نموده است. وجود افراد باسواد در خانواده، دیگر متغیر اجتماعی است که نقش معکوس بر رنگی در رجعت به بی‌سوادی داشته است. در واقع، به نظر می‌رسد حضور بستگان با سواد، موجب ایجاد یک جو مثبت در خانواده شده و زمینه‌های انگیزشی و کشش به سمت سوادآموزی و ادامه‌ی آن را فراهم می‌کند و در نتیجه به عنوان یک عامل نیرومند در ممانعت از رجعت به بی‌سوادی عمل می‌کند. متغیرهای تعدد فرزندان، باروری و مسئولیت خانه‌داری زنان، از دیگر عوامل معنادار پیش‌بینی‌کننده‌ی رجعت به بی‌سوادی هستند. بالطبع، این عوامل موجب می‌گردند تا بخش اعظم اوقات زنان نوسواد، به انجام این امور سپری گردد، به ویژه اگر همراه با این مسئولیت‌ها، در تأمین معاش خانواده و مسئولیت‌های دیگر در خانواده، نقشی ایفا کنند، طبیعی است خستگی حاصل از کار و فشار زندگی، انگیزه و رمقی برای شرکت طولانی مدت در برنامه‌های تکمیل و تحکیم سواد باقی نمی‌گذارد. آخرین متغیر اجتماعی اقتصادی که از پیش‌بینی کننده‌های رجعت به بی‌سوادی است، وضعیت اقتصادی و درآمد خانواده است. رجعت‌کنندگان به بی‌سوادی بیشتر از خانواده‌های با درآمد کمتر بوده‌اند. این یافته را اینگونه می‌توان تبیین نمود که فقر اقتصادی، اولاً، موجب می‌گردد فرد به دلیل نیاز به کار بیشتر برای تأمین نیازهای زیستی اولیه، زمان کافی برای تحصیل و تکمیل سواد نداشته؛ ثانیاً، با شرکت در دوره‌ی مقدماتی به این باور نرسیده است که سواد می‌تواند تأثیری در تغییر زندگی فلاکت بار او ایفا نماید؛ و ثالثاً، بودن در وضعیت اضطرار، زمینه‌ی فرهنگی لازم جهت ایجاد نگرش مثبت و انگیزه‌ی سوادآموزی را فراهم ننموده است.

کیفیت برنامه‌های آموزشی. این متغیر، عواملی از قبیل امکانات فیزیکی کلاس و مدرسه، قابل فهم بودن کتاب‌های درسی برای سوادآموزان، کاربردی بودن مطالب درسی، فراهم بودن کتاب‌ها و سایر منابع آموزشی، استفاده بهینه از زمان آموزشی، حضور به موقع معلم در کلاس و سایر امکانات مرتبط به این حوزه را در برمی‌گیرد. نقص و کمبود در این زمینه، در رجعت به بی‌سوادی نقش پررنگی داشته و یکی از عوامل اصلی رجعت بوده است.

محتوایی که در آموزش بزرگسالان مورد استفاده قرار می‌گیرد تأثیر زیادی در یادگیری افراد دارد. بزرگسالان محتوا و مطالبی را که خوشایند و قانع‌کننده باشد می‌پذیرند و از یادگیری مطالبی که به نحوی موجب نارضایتی آنان شود خودداری می‌کنند. از طرفی، چنانچه بزرگسالان در جریان آموختن نقش فعالی داشته باشند، یادگیری شکل موثرتری پیدا می‌کند. این امر مستلزم آن است که در تدریس استفاه از روش‌های غیر فعال (مثل سخنرانی‌های طولانی مدت و حفظ کردن) ترک شود.

در گذشته یکی از موانعی که معمولاً بر سر راه یادگیری و پیشرفت آموزشی بزرگسالان قرار داشت غیرقابل انعطاف بودن زمان برنامه دروس بود. ولی اکنون در اغلب کشورها به این نکته توجه کرده‌اند که سرعت و زمان یادگیری باید در حد توانایی و امکانات بزرگسالان باشد. قابل انعطاف بودن زمان یادگیری یکی از اصول اساسی برنامه‌های آموزش بزرگسالان است، زیرا شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها باید بتوانند به رغم مسؤولیتها و مشاغل مختلفی که دارند به سهولت و آزادانه از فرصتی که فراهم آمده به سهولت و آزادانه، استفاده نمایند.

انگیزش پیشرفت. مهم‌ترین عامل فردی که در رجعت به بی‌سوادی نقش داشته، پایین بودن سطح انگیزش پیشرفت سوادآموختگان رجعت‌کننده به بی‌سوادی بوده است. این یافته نشان می‌دهد که برای ممانعت از رجعت به بی‌سوادی باید راهکارهای مناسب در راستای حفظ و ارتقای انگیزه‌ی سوادآموزان را به کار گرفت. به نظر می‌رسد هنوز در بی‌سوادان این باور بوجود نیامده است که بی‌سوادی چه نقیصه بزرگی است و تا چه میزان در عدم در پیشرفت جامعه تأثیر دارد و باعث مشکلات عدیده برای خود و خانواده آنها خواهد شد.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله بورگس (۱۹۸۴)، اصلانیان و بریکل (۱۹۸۶)، مک‌گیونی (۱۹۹۰)، لاسوی (۱۹۹۲) و می‌ریز (۱۹۹۶) در خارج از کشور و پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور از جمله ایزدی و رضایی (۲۰۱۲)، امینی خوئی (۱۳۸۳)، مهنایی و رفیعی (۱۳۷۸)، معینی کیا و قرداشخانه (۱۳۸۳)، اسکندری‌پور و احمدی (۱۳۸۴)، کارگر و

سید مصطفایی (۱۳۸۴) نادری و کریمی (۱۳۸۳) همسو بوده و با یافته‌های پژوهش‌های ، رخشان و کرویسی (۱۳۸۳)، رضایی و نقدی (۱۳۸۴) همسو نیست. به نظر می‌رسد علت اصلی این ناهمخوانی به دلیل نگاه منفک و بررسی مجزای متغیرهای مرتبط با بی‌سوادی در پژوهش‌های پیشین باشد.

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که رجعت به بی‌سوادی در سوادآمختگان دوره‌ی مقدماتی پدیده‌ای چند وجهی است که مهم‌ترین وجه آن عوامل اجتماعی را در بر می‌گیرد. به ویژه نقش خانواده در این زمینه بسیار پر رنگ بوده که در تعامل با عامل اقتصادی و موانع و محرومیت‌های مضاعف زنان تأثیر بسزایی در این زمینه ایفا می‌کنند. سایر وجوه مؤثر در رجعت به بی‌سوادی شامل کیفیت برنامه‌های آموزشی و انگیزش پیشرفت نوسوادان بوده است. پیشنهادهای کاربردی:

۱- برگزاری کلاس‌های توجیهی برای سوادآموزان و خانواده آنها پیش از شروع آموزش محتوای درسی: بر اساس یافته‌های پژوهش یکی از عواملی که در رجعت به بیسوادی نقش مؤثری ایفا می‌کند مخالفت خانواده با تحصیل سوادآموز است. این مخالفت‌ها در خانواده‌هایی که تعداد افراد باسواد آنها کمتر است بیشتر می‌شود. این نشان می‌دهد که برای سواددار کردن بی‌سوادان بایستی علاوه بر خود آنها، موافقت و رضایت خانواده‌های آنان به ویژه پدران و شوهران را جلب نمود. آنها باید به ضرورت سواد در دنیای امروز پی برده و به آن اعتقاد پیدا کنند، در غیر این صورت احتمال رجعت به بی‌سوادی و به هدر رفتن تلاش‌های انجام گرفته افزایش می‌یابد.

۲- توجه بیشتر به امر فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی اهمیت و نقش سواد در خانواده‌ها با استفاده از امکانات و وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه‌ی ملی، مساجد و سایر رسانه‌ها.

۳- اهتمام به ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و تطبیق بیشتر محتوای برنامه‌ها با نیازهای سوادآموزان و هم‌چنین استفاده از روش‌های تدریس فعال و کارآمد.

۴- رجعت به بیسوادی در متأهلین و والدینی که تعداد فرزندشان زیاد است بیشتر است. بنابراین توجه به برنامه‌های تحکیم سواد در این قشر بایستی با دقت بیشتری انجام شود. هم‌چنین برنامه درسی برای این افراد بهتر است به شکل متفاوتی تنظیم شود به‌طوری که با وقت و سایر امور و وظایف این افراد سازگار باشد.

۵- بی‌سوادان مسن نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی ویژه خود دارند. چرا که نیازهای آنان متفاوت از سایر سوادآموزان است. هم‌چنین سبک، روش و سرعت یادگیری این افراد بایستی در روش تدریس آموزشیاران مورد توجه باشد.

۶- استفاده از تشویق‌های مالی و کمک‌های اقتصادی برای سوادآموزانی که از سطح درآمد پایینی برخوردارند. ابزارهای تشویقی بایستی به شکل نظام‌مند و بر اساس میزان تلاش و فعالیتی که فرد برای افزایش یادگیری خود و خانواده‌اش انجام می‌دهد به کار گرفته شوند.

۷- برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی برای آموزشیاران و معلمین به منظور یادگیری و تمرین روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی.

۸- تشویق هر چه بیشتر باسوادان در مدارس، روستاها و مناطق دور افتاده به ترغیب سوادآموزان خانواده‌هایشان به تکمیل و تحکیم سواد.

۹- توجه بیشتر به نیازهای زنان بازمانده از تحصیل و بررسی راهکارهای عملی در زمینه‌ی کاهش باروری و تنظیم خانواده در روستاها و مناطق حاشیه‌ی شهرها.



## منابع

- اسکندری پور، شهرام و احمدی، انوشیروان. (۱۳۸۴). مقایسه تاثیر یادگیری مشارکتی با یادگیری سنتی بر پیشرفت تحصیلی مهارتهای اجتماعی و خودکارآمدی سوادآموزان پایه های تکمیلی و پایانی نهضت سوادآموزی استان زنجان. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- امانی، مهدی. (۱۳۷۸). موفقیت در سوادآموزی بزرگسالان، در ایران: بعد از انقلاب اسلامی (برخی جنبه های جمعیت شناختی). مجله نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ (۱۴): ۲۱-۳۶.
- امینی خوئی، ناصر. (۱۳۸۳). بررسی روش های مؤثر در ایجاد انگیزه مطالعه پس از کلاس درس در سوادآموزان دوره مقدماتی استان بوشهر. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- پناهی، رضا و انوری، صدور. (۱۳۸۵). بررسی علل افت تحصیلی سوادآموزان از دیدگاه کارکنان نهضت سوادآموزی استان اردبیل. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- تاج آبادی، رضا. (۱۳۸۶). نقش کتابخانه های عمومی در عدم بازگشت نوسوادان به دوران بی سوادی و تقویت سواد آنها. پایگاه مجلات تخصصی نورمگز. (۶۹): ۱۶۷-۱۸۴.
- ثاتی، محمد عنایت و تیموری، نجیب. (۱۳۷۸). بررسی دلایل عدم حضور بی سوادان باقیمانده استان گلستان در کلاس های سوادآموزی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- رجایی پور، سعید. و اکبری عمروآبادی، احمد رضا. (۱۳۸۶). بررسی نیازهای مطالعاتی نوسوادان شهری و روستایی نهضت سوادآموزی. دانش و رفتار، ۱۴، (۲۴): ۶۵-۸۰.
- رخشان، فریدون و کروی، میرتقی. (۱۳۸۳). ارزیابی میزان موفقیت تداوم آموزش در جلوگیری از رجعت به بی سوادی فراگیران استان آذربایجان شرقی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- رضاخانی، زهرا و ابراهیمیان کیاشری، علی (۱۳۸۷). بررسی میزان اثربخشی اقدام پژوهی آموزشیاران در کاهش مشکلات یاددهی-یادگیری مخاطبان. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- رضایی، میترا و نقدی، علی اصغر. (۱۳۸۴). بررسی عوامل و امکانات مؤثر در تسریع ریشه کنی بیسوادی استان کرمانشاه از دیدگاه گروههای مرتبط با نهضت سوادآموزی در سال ۸۴-۸۳ (جلد ۲ و ۱). تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- رفعتی نیا، رضا و قرایی مقدم، امان الله. (۱۳۷۶). بررسی عوامل افت آموزشی سوادآموزان دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی شهرستان ساوه. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- زمینی، سهیلا؛ حسینی نسب، سید داوود و هاشمی، تورج. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش راهبردهای برنامه ریزی عصبی-کلامی بر انگیزش پیشرفت و انگیزش تحصیلی دانش آموزان. فصل نامه ی پژوهش در سلامت روان شناختی، ۳: ۵۹-۵۱.
- عابدی، لطف علی (۱۳۷۰). بررسی راه های متناسب سازی برنامه سوادآموزی با نیازها و شرایط سوادآموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- عسگری، اردشیر و قنبری، سیروس (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر در جذب افراد زیر ۴۰ سال بازمانده از تحصیل در استان همدان. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.

- فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۷۱). طرحی برای حفظ تداوم سوادآموزی و جلوگیری از بازگشت به بیسوادی. فصلنامه پیام کتابخانه. ش ۱. کارگر، نادر و سید مصطفایی، علی (۱۳۸۴). بررسی علل بازماندگی از تحصیل در میان افراد زیر ۴۰ سال و عوامل مؤثر بر جذب آنان در استان آذربایجان غربی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- محمد قلی نیا، جواد. (۱۳۸۳) بررسی راه های ایجاد انگیزه مطالعه بعد از کلاس در سوادآموزان دوره مقدماتی شهرستانهای استان. تهران. دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- معتمدی، عبدالله. (۱۳۸۳). بررسی میزان کارآیی راهنمایان تعلیماتی در ارتقاء کیفیت آموزشی کلاسهای نهضت سوادآموزی استان چهار محال و بختیاری. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- معینی کیا، مهدی و قرداشخانه، سید حسین. (۱۳۸۳). بررسی علل افت تحصیلی سوادآموزان استان اردبیل در درس املاء. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- موسسه فرهنگی و هنری جمال هدایت (۱۳۸۴). بررسی علل کم رغبتی بی‌سوادان (زیر ۴۰ سال) باقیمانده استان ایلام به شرکت در کلاسهای سوادآموزی. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- مهنائی، سید محمد قاسم و رفیعی، سید نصیب‌الله. (۱۳۷۸). بررسی علل ترک تحصیل سوادآموزان پنجم بزرگسالان استان کهگیلویه و بویراحمد. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- میرحسینی، زهره و دوستدار، یحیی (۱۳۷۷). بررسی نیازها و علائق مطالعاتی نوسوادان (جلد ۱ و ۲). پایان‌نامه دکتری کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی. دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- نادری، نادر و کریمی، علی‌حسن. (۱۳۸۳). ارزیابی میزان موفقیت طرح تداوم آموزش در جلوگیری از رجعت به بیسوادی فراگیران استان کرمانشاه. تهران: دفتر برنامه ریزی و مشارکتهای بین بخشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- Aslanian, C.B., Brickell, H.M. (1986). *Americans in transition: Life changes as reasons for adult Learning*. New York: College Entrance Examination Board.
- Burgess, R.G. (1984). *In the Field: An Introduction to Field Research*. London: Unwin Hyman.
- Forlizzi, L. (1990) An Assessment of the Educational Need and Interests of Older Low- Literate Adults. *Adult Literacy and Basic Education*, 14(3): 204.
- Hazen, R M., Trefil J. (1990). *Science Matters: Achieving Scientific Literacy* Reprint Edition. Amazon.
- Krejcie, R. V., Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational Psychological Measurement*, 40: 670-610.
- Lasway, Rest, B.P. (1992). *Barriers to participation of New Literate Adults in the- Literacy Proframme in Tanzania*. Tornto: University of Toronto. P: 346.
- Meyers. Cliffard. T. (1996) *A Vehicle for Development: Theory and practice in case Studies in Nepal*. Massachusetts: University of Massachusetts.
- Rezaii, A., Izadi, S. (2012). The Social Causes of Illiteracy in Iran. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 46: 5631 5634.

- Roberts, J. A. (1998). Compulsive buying among college students: An investigation of its antecedents, consequences, and implications for public policy. *Journal of Consumer Affairs*, 32(2).
- Rosenberg, Morris. (1986). *Conceiving the Self*. Krieger: Maabar, FL, from <http://www.bsos.umd.edu/socy/rosenberg.htm>.



## Predictors of Illiteracy Returns in Literacy Graduates

Rasool Kordnoghabi\*

Shahriar Moradi<sup>†</sup>

Arezou Delfan Beiranvan<sup>‡</sup>

### Abstract

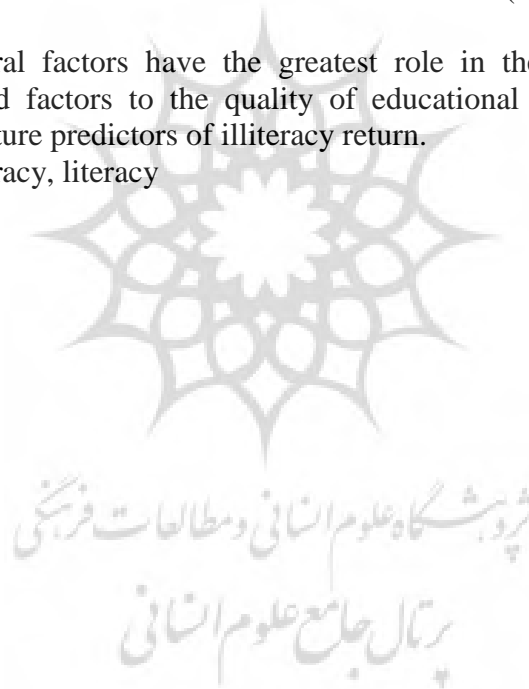
**Purpose:** The purpose of this study was to investigate the predictive factors of illiteracy in literacy learners.

**Method:** The statistical population of the study consisted of all literates in the country. Using multi-stage cluster sampling, a sample of 486 (learned literacy) was selected and studied. Research instruments included a researcher-made academic achievement scale, a newborn specialty researcher-made questionnaire, the Hermans Progress Motivation Scale (1970), and the Rosenberg Self-Confidence Scale (1986). For data analysis, regression analysis was performed using spss21 software.

**Results:** The results showed that variables such as family agreeableness, literacy, quality of educational programs, family literacy, family monthly income and progress motivation were negative; Literacy rates were similar to those who were literate (adjusted chi-square = 0.267,  $P < 0.001$ ,  $F = 15.556$ ).

**Conclusion:** Socio-cultural factors have the greatest role in the rate of illiteracy return to education and the related factors to the quality of educational programs and motivation to progress have been the future predictors of illiteracy return.

**Keywords:** illiteracy, literacy, literacy



---

<sup>1</sup> - Department of Psychology (Associate professor), Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: rkordnoghabi@gmail.com

<sup>2</sup> - PH.D in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

<sup>3</sup> - Master of Art in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran